عدلیه

۲۳ ماه زندان برای انتقال قطعات اف-۵

دادگاه فدرال امریکا یک تبعه بلژیک را به اتهام نقض تحریم ایران به ۲۳ ماه زندان محکوم کرد. به گزارش عصر ایران به نقل از خبرگزاری فرانسه، «ژاک موسیو» تبعه بلژیک و ساکن فرانسه متهم به انتقال سلاح از امریکا به ایران برخلاف تحریم‌های واشنگتن است. یک کارمند دادگاه فدرال امریکا در این باره گفت: این متهم بلژیکی ۵۷ساله پس از طی ۲۳ ماه زندان، به مدت سه سال تحت مراقبت خواهد بود. موسیو ماه آگوست ۲۰۰۹ و هنگام ورود به فرودگاه نیویورک، بازداشت شد و سه ماه پس از آن، اتهامات خود را پذیرفت. بر اساس این گزارش، این تبعه بلژیک به خاطر اتهامات وارده باید به پنج سال حبس محکوم می‌شد ولی به دلیل همکاری با مقامات امریکایی، مدت‌زمان مجازات وی کاهش یافت. دادگاه فدرال امریکا همچنین پنج اتهام دیگر این تبعه بلژیک را وارد ندانست. در صورت محکومیت وی به این پنج اتهام، او باید ۱۰ تا ۲۰ سال در زندان می‌ماند. از میان این پنج اتهام می‌توان به تجارت اسلحه بدون مجوز قانونی، قاچاق و پولشویی اشاره کرد. محکومیت اصلی این تبعه بلژیک به دلیل صادرات قطعات هواپیماهای نظامی به ایران از جمله قطعات هواپیماهای اف-۵ است.

احضار عباس حکیم‌زاده به دادسرای زندان اوین

عباس حکیم‌زاده فعال دانشجویی دانشگاه امیرکبیر به دادسرای زندان اوین احضار شد. حکیم‌زاده پیش از این سه مرتبه بازداشت شده است. وی سپس با قرار وثیقه ۴۰۰ میلیونی از زندان آزاد شد.

یک عضو شورای شهر اهواز بازداشت شد

داریوش ممبینی عضو شورای شهر اهواز، روز گذشته، پیش از دومین کنفرانس مطبوعاتی خود بازداشت شد. به گزارش ایلنا، او پیش از این یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران محلی خوزستان در دفتر کارش انجام داد و در آن به رای صادرشده توسط استاندار و شورای حل اختلاف خوزستان اعتراض کرد. ممبینی در آن نشست گفته بود: نهاد شورا نهاد منتخب مردم است و صدها هزار رای مردم اهواز را به عنوان پشتوانه دارد و نمی‌توان به راحتی این رای را باطل کرد. او تاکید کرده بود: از مسوولان استان می‌خواهم تخلفات من را به صورت علنی در رسانه‌ها اعلام کنند. وی هفته بعد یک بار دیگر خبرنگاران را به دفترش دعوت کرد اما پس از حضور خبرنگاران به آنها گفت به دلیل درخواست مسوولان از برگزاری این نشست معذور است. او یک بار دیگر دیروز خبرنگاران را دعوت کرد اما ساعتی پیش از برگزاری این نشست بازداشت شد. بر اساس این گزارش، داریوش ممبینی از جانبازان دفاع مقدس است که در دوره اول و سوم شورای شهر اهواز بیشترین رای مردم این شهر را از آن خود کرده است. به گزارش ایلنا، پیش از این حسن‌زاده رئیس شورای شهر اهواز نیز دهم شهریورماه بازداشت شده بود.

ملاقات تاجیک با خانواده‌اش

عبدالرضا تاجیک روز پنجشنبه با خانواده‌اش به صورت کابینی ملاقات کرد. خانواده تاجیک حال وی را مساعد توصیف کردند اما به دلیل قطع برق قادر به صحبت از طریق تلفن کابین با وی نشدند.

انتصاب رئیس کل دادگستری زنجان

رئیس قوه‌قضائیه با صدور حکمی رئیس کل جدید دادگستری استان زنجان را منصوب کرد. به گزارش ایلنا، آیت‌الله صادق لاریجانی در حکمی جعفر گل‌محمدی را به عنوان رئیس‌کل دادگستری استان زنجان منصوب کرد. شایان ذکر است گل‌محمدی پیش از این دادستان عمومی و انقلاب زنجان بود.

لایحه آیین دادرسی کیفری به شورای نگهبان ارسال خواهد شد

معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری گفت: لایحه آیین دادرسی کیفری که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطرح بود به احتمال زیاد در هفته جاری از کمیسیون به شورای نگهبان ارسال خواهد شد. عبدالعلی میرکوهی در گفت‌وگو با ایسنا درباره لایحه حمایت از خانواده اظهار کرد: احتمال دارد سه ماده از لایحه حمایت از خانواده که برای بررسی بیشتر به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارجاع شده بود، هفته جاری در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح شود، در غیر این صورت به هفته بعد موکول خواهد شد. وی در مورد لایحه نظارت بر عملکرد قضات نیز گفت: لایحه مذکور در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در حال بررسی بود و تقریباً به اتمام رسیده و در شرف ارسال به صحن علنی مجلس است. معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری، لایحه قانون مجازات اسلامی را مورد اشاره قرار داد و گفت: لایحه قانون مجازات اسلامی کماکان در شورای نگهبان و در شرف ارسال به مجلس است. ما منتظر ارسال ایرادات شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی هستیم. میرکوهی یادآور شد: لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری هنوز در نوبت صحن علنی مجلس قرار نگرفته است.

حاشیه سیاست

ساخت چهار بازداشتگاه در حاشیه تهران

معاون عمرانی استاندار تهران از تصویب اعتبارات لازم برای ساخت چهار بازداشتگاه در حاشیه تهران خبر داد. محمدرضا محمودی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به طرح کاهش زندان‌ها در پایتخت از تامین اعتبارات لازم برای ساخت بازداشتگاه‌های موقت در تهران خبر داد و گفت: مکان‌های مورد نظر در حاشیه تهران برای ساخت بازداشتگاه‌های جدید انتخاب شده‌اند و سازمان زندان‌ها می‌تواند رسماً این طرح را آغاز کند. بنا بر این گزارش وی در مورد سرانجام طرح انتقال فرودگاه مهرآباد به خارج از شهر تهران گفت: چنین طرحی در دستور کار استانداری تهران قرار ندارد.

روایت محمود علیزاده طباطبایی از مدیریت جنگ

مشکل جنگ پول نبود

گروه سیاسی، ریحانه طباطبایی: محمود علیزاده طباطبایی را همه به عنوان یک حقوقدان و وکیل دادگستری می‌شناسند اما در سابقه مدیریتی وی سمتی دیده می‌شود که می‌توان از او به عنوان یکی از منابع مسائل مدیریتی جنگ یاد کرد. همین سابقه علیزاده طباطبایی شرق را به گفت‌وگویی درباره جنگ تشویق کرد.

- شما از سال ۶۴ در سازمان برنامه و بودجه آن زمان مسوولیت اداره کل دفاعی سازمان را بر عهده داشتید. چرا چنین مسوولیت خطیری را به شما واگذار کردند؟

قبل از انقلاب در نیرو هوایی بودم و از کسانی بودیم که فعالیت‌هایی داشتیم و رژه ۱۹ بهمن ۵۷ را در محضر حضرت امام(ره) طراحی کردیم. بعد از پیروزی انقلاب انجمن اسلامی را در نیروی هوایی پایه‌گذاری کردیم که تمامی کارهای امنیتی، عقیدتی و اطلاعاتی را بر عهده گرفت. از سال ۵۸ اقداماتی شروع شد، از جمله پاکسازی‌های گسترده‌ای که در ارتش انجام شد و گروه‌هایی که پس از انقلاب در ارتش نفوذ کرده بودند مانند نیروهای چپ و سازمان مجاهدین خلق. از این رو ما دست به پاکسازی گسترده در نیروی هوایی زدیم و بخش عمده‌ای را اخراج کردیم. در آن زمان کودتایی نیز در نیروی هوایی توسط حزب توده طراحی شد که به اشتباه کودتای نوژه نام گرفت. سرهنگ نوژه از شهدای نیروی هوایی بود که در جنگ‌های سال ۵۸ در کردستان شهید شد و به همین دلیل پایگاه همدان به نام او نامگذاری شد که چون این کودتا در این پایگاه طراحی و برنامه‌ریزی شد به این نام معروف شد. همین اتفاق سبب شد ما تعداد دیگری از افسران را نیز پاکسازی کنیم و در این میان برخی نیز کنار گذاشته شدند که مستحق نبودند خاطرم هست پس از کودتای نوژه خلبان‌ها را بازجویی می‌کردیم. یکی از خلبان‌ها که پس از آن شهید شد خلبان قدیری‌مقدم از من پرسید گمان می‌برید چند خلبان در نیروی هوایی داریم که پاسخ دادم بیش از دو هزار خلبان داریم. جواب داد ما ۱۶۸ خلبان داریم. این پاسخ موجب تعجب من شد اما او توضیح داد اگر جنگی دربگیرد خلبان کسی است که بتواند بجنگد و زنده برگردد. پس از جنگ یکی از خلبان‌های ورزیده که در زمان جنگ معاون فرمانده نیروی هوایی بود این جمله را یادآوری و تاکید کرد که فقط دو نفر از آنها شهید شدند. بچه‌هایی که در آن زمان با تجربه‌ای کم اما شجاعانه و ایثارگرانه رفتند و جنگیدند و شهید شدند کسانی بودند که آمادگی چنین جنگی را نداشتند. اوایل جنگ روز ۱۷ دی در قرارگاه فرماندهی در خوزستان بودم. سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی که بعد هم وزیر دفاع شد عصبانی شده بود و از اتاق فرماندهی داد می‌زد «اگر یک هواپیما روی زمین بماند من خلبانش را اعدام می‌کنم. می‌خواهم امروز نیروی هوایی نابود شود، اما جلوی لشگر عراق گرفته شود.» اینها مسائلی است که بازگو نشده است. این نیروی هوایی بود که تانک را می‌زد. حدود ۲۰ هواپیما سقوط کرد اما جلوی لشگر زرهی عراق در خرمشهر گرفته شد. اگر نیروی هوایی نبود خوزستان سقوط می‌کرد. اما بعدها و پس از فرار بنی‌صدر، فکوری پیش من آمد و گفت: «طباطبایی، تو شاهدی اگر من گفتم می‌خواهم نیروی هوایی نابود شود و خوزستان سقوط کند هدفم نابودی نیروی هوایی نبود، بلکه می‌خواستم کشور را نجات بدهم اما از این جمله برایم پرونده‌سازی کرده‌اند که در یک روز به دستور مستقیم من ۲۰ هواپیما سقوط کرده است.» جنگ چنین وضعیتی داشت و من نیز در جریان مستقیم جنگ و بسیاری از اتفاق‌های رخداده در آن بودم. سال ۵۸ نیز مجله‌ای در نیروی هوایی به نام پاسداران آسمان راه انداختم که از آنجا که ارتش خود یک مجله داشت توسط سازمان عقیدتی سیاسی ارتش سردبیر مجله خود آنها شدم و پس از مدتی به این جمع‌بندی رسیدیم که تاریخ جنگ را مکتوب کنیم. در آن زمان گروهی در ارتش تحت مدیریت آقای رادمنش استاد جامعه‌شناسی شکل گرفته بود که سربازها را به جبهه می‌فرستاد تا مصاحبه بگیرند. در همان زمان مسوولیت گروه تاریخ جنگ را نیز به من دادند که آمدم و فرمانده سابق نیروی هوایی که تیمسار معینی‌پور بود، فرمانده نیروی دریایی، جانشین او و تعدادی دیگر از فرماندهان ارشد را دعوت کردم و به رئیس سیاسی عقیدتی گفتم تاریخ جنگ را چهار سرباز نمی‌توانند با مصاحبه بازگو کنند و ما با این تیمی که در اختیار داریم می‌توانیم واقعیت را ثبت کنیم. آنها نیز با دقت و جدیت مشغول این کار شدند و توانستند اسناد و مدارکی در خصوص جنگ جمع‌آوری کنند. پس از آنکه ما این اسناد و مدارک و تاریخ جمع‌آوری‌شده را در اختیار رئیس عقیدتی سیاسی وقت گذاشتیم، او عنوان کرد این اسناد و مدارک به هیچ وجه قابل انتشار و ارائه نیست. من با واقعیت جنگ آنجا آشنا شدم و از این رو سال ۶۴ زمانی که آقای روغنی‌زنجانی رئیس برنامه و بودجه بخشی است که ۵۰ درصد بودجه دولت را در حوزه‌های امنیتی، دفاعی و سیاسی در اختیار دارد که ما نظارتی بر آن نداریم و از آنجا که تو تجربه جنگ را داری و در این رشته هم تحصیل کردی و همچنین نماینده دولت در شورای خرید تسلیحات نظامی نیز هستی مسوولیت این کار را بر عهده بگیر.

-آن طور که از اظهارات شما، فرماندهان جنگ، مدیران و همچنین اسناد و خاطرات به‌جامانده از آن زمان مشخص است به‌دلیل شرایط پیش آمده به نظر می‌رسد حداقل در بخش مالی و منابع انسانی برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی‌شده‌ای صورت نگرفته بود. زمانی که شما این مسوولیت را بر عهده گرفتید چه تغییراتی را از سوی دولت برای برنامه‌ریزی اقتصادی جنگ انجام دادید؟

من زمانی که وارد سازمان شدم با طرحی با عنوان «تجهیز ۵۰۰ گردان برای انجام حمله نهایی» مواجه شدم. آقای زنجانی به من گفتند برای اجرای این طرح پیشنهادهای زیادی ارائه شده و بودجه زیادی نیز می‌طلبد. اگر ذهنم درست یاری دهد بودجه عمومی دولت در آن زمان حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بود که بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان آن برای نیروهای مسلح از ردیف جنگ تا بودجه جاری عمرانی نیروهای مسلح، شهربانی و کمیته بود. آقای زنجانی به من گفت این طرح تقریباً ۵۰ درصد مابقی بودجه دولت را نیز احتیاج خواهد داشت. من با بررسی اولیه‌ای که در سازمان برنامه انجام دادم، متوجه شدم کارشناسانی که در بخش دفاعی سازمان هستند توان بررسی این گونه طرح‌ها را ندارند. در این باره حتی آقای هاشمی که ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشتند از من پرسیدند در زمان رژیم گذشته بودجه نظامی چگونه تدوین می‌شد؟ پاسخ دادم قبل از انقلاب شورای اقتصاد بعد از هر برنامه‌ای گزارش مالی به دولت و شاه می‌داد، شاه تعیین می‌کرد که چند درصد بودجه کشور می‌تواند در اختیار ارتش قرار گیرد که این پول در اختیار ستاد بزرگ ارتشداران قرار می‌گرفت و آنان برنامه‌ریزی می‌کردند. اما پس از انقلاب این سیستم به هم خورد و دیگر چنین ستادی وجود نداشت. ستاد مشترک ارتش به شدت تضعیف شده بود و ما در کنار آن سپاه را داشتیم و جایی نبود تا این هماهنگی‌ها بین ارتش و سپاه خصوصاً در مورد منابع صورت گیرد. از این رو من تیمی را در آنجا با مدیریت تیمسار چگینی تشکیل دادم که زمانی که شهید فکوری وزیر دفاع بود او نیز قائم‌مقام ایشان و متخصص برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نیز بود. کارهای مطالعاتی را صورت دادیم و نظام طرح‌ریزی، استراتژیکی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نظامی را سامان دادیم و در این طرح که در سازمان انجام شد ضمن بررسی تاریخی برنامه‌ریزی و طراحی استراتژی نظامی ایران و جهان، مبانی را مطرح و اعلام کردیم ترکیب سازماندهی‌شده برای تصمیم‌گیری در خصوص بودجه نظامی ترکیب منطقی و درستی نیست. طبق قانون اساسی، شورای عالی دفاع در خصوص استراتژی‌های نظام تصمیم‌گیری می‌کرد اما ما مطرح کردیم برای آنکه بتوانیم طرح‌ریزی استراتژیک نظامی انجام دهیم در راس مقام رهبری هستند و ما اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های کلی را باید تنظیم کنیم، تهدیدهای برون‌مرزی و درون‌مرزی را برآورد کنیم و جایگاهی به نام شورای امنیت ملی داشته باشیم تا این برنامه‌ها و بررسی‌ها به آن شورا ارائه شود. در شورای عالی دفاع فقط فرماندهان و نظامی‌ها حضور داشتند اما در شورای امنیت ملی وزیر اطلاعات حضور دارد تا برآوردهای اطلاعاتی و استراتژیکی را ارائه دهد، رئیس سازمان برنامه و بودجه حضور دارد که منابع را در اختیار دارد و وزیر اقتصاد که پول در اختیار دارد و با اصلاح قانون اساسی این پیشنهاد ما به تصویب رسید. البته مقاومت‌هایی نیز در این خصوص صورت گرفت. منابع مالی کم بود. مشکلات زیاد بود. ما حرف‌هایی داشتیم که مدعی بودیم حرف‌های کارشناسی است. تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا بین ارتش و سپاه تفاهم، همکاری و وحدت بیشتری صورت گیرد و به همین دلیل نیز تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا را پیشنهاد کردیم چراکه اعتقاد داشتیم باید ستادی برای ایجاد وحدت بین سپاه و ارتش تشکیل شود که این امر را نیز فرماندهی کل قوا می‌توانست بر عهده بگیرد و همچنین فرمانده کل می‌توانست از این ستاد مشورت نیز بگیرد و بر اساس آن تصمیم‌گیری کند. در زمان جنگ منابع ما نیز محدود بود و البته ما کشور را نیز تعطیل نکرده بودیم. دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها همه به کار خود ادامه می‌دادند و البته همه امکانات‌شان را نیز همین دستگاه‌ها برای کمک به جنگ بسیج کرده بودند. اما دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی نیز بود که نمی‌شد و نباید از بودجه‌شان کم می‌شد و این مساله از مسائل مورد مناقشه ما در آن زمان با نیروهای مسلح بود. یکی از مشکلات‌مان نیز با نیروهای مسلح در خصوص پرسنل و نیروهایشان بود. ستادها خیلی بزرگ شده بودند و وقتی من سابقه را بررسی می‌کردم، متوجه شدم این مشکل ریشه‌ای است، به طور مثال سال ۵۴ هنگامی که قرارداد الجزایر منعقد شد و تهدید نظامی عراق و درگیری نظامی به وجود آمد، اتفاقی در خلیج فارس رخ داد. پرسنل نیروی دریایی در جزیره فارسی بدون آذوقه مانده و فراموش شده بودند و در نهایت یک کشتی انگلیسی به آنان کمک و بی‌بی‌سی روی آن خیلی تبلیغ می‌کند، از این رو وقتی ستاد کل تشکیل می‌شود شاه دستور می‌دهد مرکز فرمانده نیروی دریایی با تمام پرسنلش به جنوب نقل مکان کند اما دستور او اجرا نمی‌شود و فرمانده آن برکنار می‌شود. استدلال بر این بود که معنی ندارد که وقتی این نیرو در جنوب مستقر است ستاد فرماندهی آن به این بزرگی در تهران باشد اما زور شاه نمی‌رسد و فرماندهی در تهران باقی می‌ماند. ما پس از انقلاب دیدیم که این مشکل همچنان باقی است. به طور مثال در منطقه مهرآباد تصمیم گرفتیم با هماهنگی فرمانده آن که با ما هم‌عقیده بود بخشی از نیرو را کم کنیم؛ بخشی در آن بود که ۳۰ پست سرباز داشت که در هر شیفت می‌شد ۹۰ سرباز که با افسر نگهبان و... بیشتر نیز می‌شد، من دست گذاشتم روی این نقطه و گفتم این بخش را به کل حذف کنیم، همه مخالفت کردند و گفتند نمی‌شود چنین کاری را انجام داد. مطالعه کردیم، بررسی کردیم و متوجه شدیم در سال ۳۹ این مکان انبار تسلیحات نظامی بود اما پس از آن منتقل شده ولی پست آن برداشته نشده است و مسائلی از این قبیل زیاد بود. یا در خریدهای تسلیحاتی ما باز هم دچار مشکل بودیم و حرف کارشناسی داشتیم. من خود نماینده دولت در خرید تسلیحات بودم و کارشناسانی که داشتیم یعنی تیمی که با تیمسار چگینی آورده بودم همه از کارشناسان نظامی خبره بودند و سلاح‌های هوایی، دریایی و زمینی را خوب می‌شناختند. ما نظرات کارشناسی آنان را مطرح می‌کردیم و از طرف مقامات بالا نیز مورد پذیرش قرار می‌گرفت و از این طریق توانستیم جلوی خیلی از خریدهای غیرکارشناسی را بگیریم.

-آیا در این رابطه با موانع و مشکلاتی نیز مواجه شدید یا نظر کارشناسی سازمان و دولت را قبول می‌کردند؟

به طور مثال برای نیروی هوایی قرارداد ارائه شد. برای خرید ماهواره از انگلیس که به تصویب بانک مرکزی نیز رسیده بود، از آنجا که من خود نیز در نیروی هوایی بودم، درخواست کردم این قرارداد را مورد بازبینی قرار دهیم. با بررسی این قرارداد متوجه شدیم در آن ذکر شده این رادارها تا پایان جنگ فقط در شمال ایران در کنار دریای خزر و آن هم با حضور مستشاران انگلیسی قابل استفاده هستند. متاسفانه کسانی که این قرارداد را امضا کرده بودند کارشناس و متخصص نبودند و متوجه نشده بودند این رادارها به هیچ وجه به درد کشور نمی‌خورد. ما این موضوع را به اطلاع نخست‌وزیر رساندیم و به بانک مرکزی ابلاغ شد که جلوی این خرید گرفته شود. یا قراردادی بود در خصوص هواپیماهای باربری که نمی‌دانم به چه دلیل تصمیم به خرید این یگان گرفته شده بود، ما جلوی این خرید را نیز گرفتیم و اعلام کردیم بهترین ناوگان ترابری را در منطقه، ما داریم و نیازی به خرید هواپیماهای از رده خارج نداریم. البته اتفاق‌هایی نیز رخ می‌داد که ما نمی‌توانستیم جلوی آن را بگیریم، به طور مثال ما در نیروی هوایی احتیاج به جت آموزشی داشتیم و قبل از انقلاب نیز آموزش‌های خلبان‌هایمان در امریکا صورت می‌گرفت و خلبان آماده وارد ایران می‌شد و با هواپیماهای اف۴ و اف۵ پرواز می‌کرد. در حالی که مشغول بررسی حل این مشکل بودیم پیشنهادی در خصوص خرید جت اف۷ از چین رسید. مشخصات این هواپیما را بررسی کردیم و متوجه شدیم به هیچ وجه به درد ما نمی‌خورد. ما هواپیمایی نیاز داشتیم که خلبان پس از آموزش بتواند تیررس دشمن بودیم. خب این قدرت هوایی ما بود، در خصوص قدرت موشکی نیز چین هم به ما و هم به عراق موشک می‌فروخت که گمان می‌برم با هماهنگی امریکا بود، یعنی بر اساس تئوری مهار دوگانه ریگان به هر دو طرف اسلحه فروخته می‌شد. هر وقت ما پیشروی می‌کردیم به عراق سلاح می‌فروختند و جلوی فروش سلاح به ما را می‌گرفتند و هر وقت عراق پیشروی می‌کرد برعکس عمل می‌کردند. واقعیت‌هایی در جنگ وجود داشت. نمی‌شد در عمل واقعیت‌ها را ندید. سه کشور هواپیمای اف۱۴ را در اختیار داشتند؛ نیروی هوایی امریکا، اسرائیل و ایران. قطعات و تجهیزات نیز فقط توسط یک کارخانه ساخته می‌شد. ما از دلال خریداری می‌کردیم اما ۳۱ سال است که با امریکا رابطه نداریم و هنوز هواپیماها و رادارها قطعاتش به ما می‌رسد. درست است که در تحریم هستیم اما این به این معنی نیست که هیچ چیز به دست ما نمی‌رسد، چرا توسط واسطه‌ها و چندبرابر قیمت قطعات به دست ما رسیده است و هنوز این هواپیما قدرت‌نمایی می‌کند. **-آیا شما فرماندهان را در جریان ریز خریدها، مشکلات و بودجه و منابع تامین بودجه قرار می‌دادید یا فقط تصمیم‌ها به آنها ابلاغ می‌شد؟**

بارها و بارها ما جزییات امکانات کشور را برای آنها توضیح داده‌ایم.

-پس چرا با توجه به اینکه از بودجه کشور خبر داشتند و می‌دانستند دولت توان و امکان تامین منابع بیشتری را ندارد گفته می‌شود پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به فرماندهان و سربازان تحمیل شد و آنها بارها خدمت امام گفته بودند می‌توانند در صورت همکاری دولت جنگ را ادامه دهند؟

پول مشکل جنگ نبود فرماندهان به صراحت می‌گفتند اگر می‌خواهید جنگ را ادامه دهیم باید تجهیزات نظامی داشته باشیم، یعنی آنقدر تعداد توپ، تانک، هواپیما و... نیاز داریم که باید خریداری شود. خب از چه کسی باید خریداری می‌کردیم؟ از امریکا، یعنی وزارت خارجه باید با امریکا وارد مذاکره می‌شد در حالی که همه پشت عراق بودند. روسیه با تمام امکانات عراق را پشتیبانی می‌کرد و بهترین تجهیزات نظامی را در اختیار آن گذاشته بود اما به ما هیچ نمی‌داد. چین در حد موشک و توپخانه ما را تجهیز می‌کرد اما به عراق نیز می‌داد. در زمان جنگ به اندازه هر موشکی که عراق می‌زد ما فقط توان پاسخگویی با یک موشک را داشتیم چون بیشتر از این موشک در اختیارمان نبود. این واقعیت‌های جنگ است. ما که در تامین غذای سربازها مشکل نداشتیم، مشکل اصلی در تامین منابع نظامی بود که باید از خارج می‌خریدیم. من به عنوان مدیر امور دفاعی سازمان برنامه آماده هستم با هر کسی مناظره مستقیم داشته باشم که دولت در حد توانش و حتی بیشتر از آن امکانات در اختیار جنگ قرار داد.

ادامه در صفحه ۵

ارتش و سپاه با یکدیگر نقش داشتند اما غیر از تلاش‌ها و ایثارگری‌های نظامی که در خط مقدم بودند تفکر و عقلانیت در رده‌های فرماندهی که تحصیلکرده دانشگاه‌ها بودند نیز بسیار موثر بود. اما متاسفانه در پشت جبهه‌ها مشکلات داشتیم جبهه‌ها وجود نداشت.

-بودجه جنگ در آن زمان چگونه تامین می‌شد و منابع مالی کشور با توجه به تحریم‌ها و قیمت نفت از کجا می‌آمد؟

بودجه از دولت تامین می‌شد؛ از فروش نفت و مالیات. البته مالیات بسیار ناچیز بود و بخش عمده آن از فروش نفت بود. بودجه کشور در سال‌های ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷ و حتی ۶۸ به ۴۰۰ میلیارد تومان در سال نرسید و همیشه نصف آن برای جنگ مصرف می‌شد.

-یکی از انتقادهایی که خصوصاً این روزها در رابطه با دولت از سوی بعضی از سردارهای جنگ صورت می‌گیرد این مساله است که دولت امکانات مادی کافی را در اختیار جبهه‌ها نمی‌گذاشت. شما به عنوان کسی که آن زمان مسوولیت این کار را بر عهده داشتید چه نظری در این خصوص دارید؟

مسوول بودجه جنگ از سال ۶۴ تا پایان جنگ من بودم، خصوصاً در سال ۶۶ که در ستاد کل مستقر شدم به مسوولان نظامی نیز توضیح می‌دادم که نیازهای شما قابل قبول و درک است اما نیاز ما متناسب با منابع‌مان تامین می‌شود اما آنها می‌گفتند دولت بخش‌های دیگر را تعطیل کند و تمامی بودجه را به جنگ اختصاص دهد. خب امکان آن وجود نداشت. از بودجه ۲۰۰ میلیاردی ما ۱۰۰ میلیارد آن در اختیار نیروهای مسلح بود، از ۱۰۰ میلیارد باقیمانده هم ۸۶ میلیارد آن برای آموزش و پرورش، بهزیستی و بهداشت و درمان می‌رفت. اینها قابل تعطیل نبود. ما نمی‌توانستیم آموزش و پرورش را تعطیل کنیم. بیش از یک میلیون معلم را چه می‌کردیم؟ گفتند جنگ را دولت اداره کند. دولت آمد در ستاد کل؛ رئیس دولت شد رئیس ستاد فرماندهی کل قوا، وزیر صنایع شد معاون لجستیکی، رئیس سازمان بودجه شد معاون طرح برنامه و وزیر فرهنگ و ارشاد شد معاون فرهنگی. همه دولت را در اختیار ستاد کل قرار دادیم. سازمان برنامه همیشه متهم بود به اینکه بودجه لازم را در اختیار جنگ قرار نمی‌دهد. سازمان برنامه و بودجه همیشه منابع را بر اساس اولویت‌بندی‌ها تقسیم می‌کرد. همیشه به مقامات جنگ می‌گفتیم شما به ما بگویید از کجا بزنیم تا منابع بیشتری در اختیار شما قرار دهیم؟ نفت را بشکه‌ای هفت دلار فروختیم، یعنی جنگ را با این رقم اداره کردیم. مالیات که نداشتیم و تولید نیز تعطیل بود. فروشگاه‌ها خالی بود و همه چیز حتی مرغ و گوشت باید از خارج تامین می‌شد. اینها مایحتاج عمومی مردم بود. گندم و برنج از خارج وارد می‌شد و خیلی اقلام دیگر که همگی نیازهای اساسی مردم بودند و نمی‌توانستیم آنها را تعطیل کنیم. در خصوص همان طرح که گفتم یعنی ۵۰۰ گردان سوالی مطرح شد در جلسه ستاد کل با حضور همه مسوولان که هر طرح امنیتی و دفاعی یک هدف نظامی را دنبال می‌کند با این طرح که شما می‌خواهید انجام دهید هدف نظامی‌تان چیست؟ از این رو برای مشخص شدن هدف نظامی طرح استراتژیک و نظامی مطرح کردیم که نخست مشخص شود هدف دفاعی است یا پدافندی آن وقت برای هرکدام از آنها برنامه‌ریزی صورت گیرد تا کمبودها جبران شود. به طور مثال نیروی هوایی ما در اواخر جنگ به محض اینکه هواپیمایی بلند می‌کرد نیروهای امریکایی در خلیج فارس به آن اخطار می‌دادند که برگرد به سمت داخل کشور و اگر می‌رفتیم می‌زدند، یا قبل از اینکه رادار ما توانایی تشخیص حضور موشک‌های دشمن را بدهد ما در تیررس دشمن بودیم. خب این قدرت هوایی ما بود، در خصوص قدرت موشکی نیز چین هم به ما و هم به عراق موشک می‌فروخت که گمان می‌برم با هماهنگی امریکا بود، یعنی بر اساس تئوری مهار دوگانه ریگان به هر دو طرف اسلحه فروخته می‌شد. هر وقت ما پیشروی می‌کردیم به عراق سلاح می‌فروختند و جلوی فروش سلاح به ما را می‌گرفتند و هر وقت عراق پیشروی می‌کرد برعکس عمل می‌کردند. واقعیت‌هایی در جنگ وجود داشت. نمی‌شد در عمل واقعیت‌ها را ندید. سه کشور هواپیمای اف۱۴ را در اختیار داشتند؛ نیروی هوایی امریکا، اسرائیل و ایران. قطعات و تجهیزات نیز فقط توسط یک کارخانه ساخته می‌شد. ما از دلال خریداری می‌کردیم اما ۳۱ سال است که با امریکا رابطه نداریم و هنوز هواپیماها و رادارها قطعاتش به ما می‌رسد. درست است که در تحریم هستیم اما این به این معنی نیست که هیچ چیز به دست ما نمی‌رسد، چرا توسط واسطه‌ها و چندبرابر قیمت قطعات به دست ما رسیده است و هنوز این هواپیما قدرت‌نمایی می‌کند. **-آیا شما فرماندهان را در جریان ریز خریدها، مشکلات و بودجه و منابع تامین بودجه قرار می‌دادید یا فقط تصمیم‌ها به آنها ابلاغ می‌شد؟**

بارها و بارها ما جزییات امکانات کشور را برای آنها توضیح داده‌ایم.

-پس چرا با توجه به اینکه از بودجه کشور خبر داشتند و می‌دانستند دولت توان و امکان تامین منابع بیشتری را ندارد گفته می‌شود پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به فرماندهان و سربازان تحمیل شد و آنها بارها خدمت امام گفته بودند می‌توانند در صورت همکاری دولت جنگ را ادامه دهند؟

پول مشکل جنگ نبود فرماندهان به صراحت می‌گفتند اگر می‌خواهید جنگ را ادامه دهیم باید تجهیزات نظامی داشته باشیم، یعنی آنقدر تعداد توپ، تانک، هواپیما و... نیاز داریم که باید خریداری شود. خب از چه کسی باید خریداری می‌کردیم؟ از امریکا، یعنی وزارت خارجه باید با امریکا وارد مذاکره می‌شد در حالی که همه پشت عراق بودند. روسیه با تمام امکانات عراق را پشتیبانی می‌کرد و بهترین تجهیزات نظامی را در اختیار آن گذاشته بود اما به ما هیچ نمی‌داد. چین در حد موشک و توپخانه ما را تجهیز می‌کرد اما به عراق نیز می‌داد. در زمان جنگ به اندازه هر موشکی که عراق می‌زد ما فقط توان پاسخگویی با یک موشک را داشتیم چون بیشتر از این موشک در اختیارمان نبود. این واقعیت‌های جنگ است. ما که در تامین غذای سربازها مشکل نداشتیم، مشکل اصلی در تامین منابع نظامی بود که باید از خارج می‌خریدیم. من به عنوان مدیر امور دفاعی سازمان برنامه آماده هستم با هر کسی مناظره مستقیم داشته باشم که دولت در حد توانش و حتی بیشتر از آن امکانات در اختیار جنگ قرار داد.

ادامه در صفحه ۵

حاشیه سیاست

سفر به نیویورک فیلم می‌شود

سفر احمدی‌نژاد به امریکا فیلم می‌شود. به گزارش ایسنا جواد شمقدری معاون سینمایی وزیر ارشاد که همراه احمدی‌نژاد به نیویورک رفته بود، گفت در آینده فیلم مستندی از حواشی سفر محمود احمدی‌نژاد به نیویورک خواهد ساخت. بنا بر این گزارش علاوه بر شمقدری، سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمید بقایی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، علی‌اکبر جوانفکر مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور، اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور، سیدمجتبی ثمره‌هاشمی دستیار ارشد رئیس‌جمهور، محمد عباسی وزیر تعاون، فاطمه بداغی معاون حقوقی رئیس‌جمهور و سیدعزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما احمدی‌نژاد را در این سفر همراهی کردند. لازم به ذکر است این دومین فیلمی است که از سفر احمدی‌نژاد ساخته می‌شود.

پخش صدای مشایی از «صدای امریکا»

رحیم‌مشایی یکی از همسفران محمود احمدی‌نژاد به نیویورک روز جمعه با ایرانیان ساکن نیویورک گفت‌وگو کرد. به گزارش پارسینه، شبکه تلویزیونی «صدای امریکا» بخش‌هایی از گفت‌وگوی رئیس دفتر احمدی‌نژاد را ضبط و پخش کرد. بنا بر این گزارش مشایی که پس از اتمام حضور هیات ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی دقایقی در خیابان‌های اطراف این سازمان با ایرانیان به گفت‌وگو پرداخت در پاسخ به سوالی راجع به وضعیت سکینه محمدی‌آشتیانی ضمن رد تعلیق حکم اعدام به خاطر فشارهای بین‌المللی گفت: «اگر به خاطر فشارهای بین‌المللی بود الان احمدی‌نژاد از انرژی هسته‌ای دست می‌کشید، نه حکم سکینه محمدی.»

مقاله مترجم علیه احمدی‌نژاد

هومن مجد نویسنده و خبرنگار ایرانی- امریکایی که سمت مترجمی و مشاور دو رئیس‌جمهور اسلامی ایران (خاتمی و احمدی‌نژاد) در طول سفرهای آنان به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل را در کارنامه خود دارد، به سخنان احمدی‌نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل حمله کرد. به گزارش رجانیوز، مجد که در